

والدین نخستین معلمان فرزندان هستند که نخستین آموزش‌ها توسط آن‌ها صورت می‌گیرد. بنابراین نقش بسیار مهمی در آموزش و پرورش فرزندان ایفا می‌کنند.

یکی از مهم‌ترین آموزش‌ها، آموزش نماز است که زمینه‌ی پرورش فرزند صالح را فراهم می‌کند و او را از انجام کارهای ناپسند باز می‌دارد (عنکبوت/ ۴۵).

هر گونه آموزشی برای نهادینه شدن مستلزم گذر زمان است. همچنین آموزش می‌بایست به تدریج و به اقتضای سن فرزند انجام گیرد. آموزش نماز هم از این قاعده مستثنی نیست. بر اساس روایات اسلامی مدت زمان لازم برای آموزش نماز به پسران دوازده سال است که به تدریج از سن سه سالگی و با آموزش ذکرها آغاز می‌گردد و به تدریج و در طی سالیان ادامه می‌یابد تا این که در سن بلوغ و نوجوانی به آموزش یک نماز کامل منتهی می‌گردد (حر عاملی، بی‌تا، ج ۲۱، ص ۴۷۴). در این خصوص لسان روایات نیز نشانگر این است که نحوه‌ی آموزش نماز با مراحل رشد متناسب است.

این مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی درصدد است به شرح کیفیت آموزش نماز به فرزندان از آغاز تا رسیدن به سن بلوغ بپردازد و به این سؤال اصلی پاسخ دهد که نقش والدین در هر مرحله از رشد برای آموزش نماز به فرزندان چیست؟

انتخاب همسری نمازگزار

انتخاب همسری نمازگزار نخستین گامی است که هر یک از والدین باید در جهت تربیت نسل نمازگزار بردارند. در روایات آمده: «تَزَوَّجُوا فِي الْحُجْرِ الصَّالِحِ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ»؛ از خانواده‌های با اصل و نسب و شایسته همسر برگزینید، زیرا ریشه‌ها سرایت کننده‌اند (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۹۷).

در فرهنگ دینی و در یافته‌های روان‌شناسی، رفتار و احساسات مادر در دوران پیش از تولد بر رفتار کودک در آینده اثرگذار است. پس از تولد نیز رفتارهای پدر و مادر و دیگر افراد خانواده در ساختار شخصیت و رفتار کودک بازتاب خواهد داشت. به همین دلیل برای ساختن نسلی نمازگزار می‌بایست نسل پیشین به اقامه‌ی نماز اهتمام ورزند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹، ص ۱۱۶). اهتمام عملی والدین به نماز، باعث یادگیری مشاهده‌ای و غیر مستقیم می‌گردد که مؤثرترین یادگیری‌هاست (جمشیدی، ۱۳۷۷، ص ۷۵). نماز خواندن کودکان خردسال نمونه‌ی بارزی از این گونه آموزش‌هاست. بنابراین نحوه‌ی نماز خواندن والدین و نگرش آن‌ها به نماز از جمله عوامل بسیار مهمی است که در ایجاد و پرورش احساس مذهبی به خصوص تمایل به نماز در کودکان بسیار دخیل است (افروز، ۱۳۸۰، ص ۱۵-۱۶).

تولد تا هفت سالگی

آموزش نماز به فرزند با تولد او آغاز می‌شود. زیرا یکی از سفارش‌های نبی مکرم اسلام، گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۴). این آموزش به صورت غیرمستقیم و با القا بر ضمیر ناخودآگاه صورت می‌گیرد و تجلی و ظهور آن با انتقال از ضمیر ناخودآگاه به ضمیر خودآگاه خواهد بود (ادیب، ۱۳۹۶، ص ۲۰۶) که کودک در آینده احساس و گرایشی درونی به نوای اذان و اقامه خواهد داشت.

از ماه چهارم ولادت ویژگی «تقلیدگرایی» در کودک ظاهر می‌شود و به تدریج بر دامنه‌اش افزوده می‌گردد که می‌توان از این ویژگی برای آموزش نماز بهره گرفت. کودک در سنین ۴ تا ۷ سالگی شدیداً مقلد است و از همه کس تقلید می‌کند (قائمی، ۱۳۷۴، ص ۱۱-۱۲). او در کنار تقلیدگرایی شدید، تأییدطلب نیز هست. به این معنا که تشنه‌ی محبت، توجه و تشویق است. بنابراین می‌بایست پس از تقلید و انجام ظاهری فریضه‌ی نماز او را تشویق و تأیید کرد (جابری، ۱۳۹۸، ص ۱۳۸). بدین سان هر چند کودک به تکرار ظاهری عبادت سوق داده شده اما زمینه برای انس او به عبادت، تثبیت عمل و ایجاد عادت نیز فراهم گشته است (قائمی، ۱۳۷۴، ص ۳۷). اگر کودک به انجام عملی عادت کند به تدریج انجام آن بر او آسان می‌شود و او آن عمل را به مثابه‌ی عملی که از ذات و طبیعت او نشأت گرفته به سادگی انجام خواهد داد. از این رو گفته شده: «العادة طبعية ثانية»؛ عادت طبیعت ثانوی انسان است (راغب، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۶۷).

در روایات نیز آمده است که در این دوران باید کودک را به گفتن اذکاری چون «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» و «صلی الله علی مُحَمَّد و آل مُحَمَّد» عادت داد و به تدریج جهت قبله، رکوع، سجود و خواندن یک نماز ظاهری را به او آموزش داد (حرعاملی، بی‌تا، ج ۲۱، ص ۴۷۴).

یکی از روانشناسان مشهور می‌گوید: «کودک در ۵ و ۶ سالگی نسخه‌ی کوچک جوانی است که بعداً خواهد شد» (افروز، ۱۳۸۰، ص ۱۳). این جمله بیانگر شکل‌گیری شخصیت در این سنین است و اهمیت تربیت در آن دوره را نشان می‌دهد. منطق حاکم بر کودک در هفت سال اول زندگی، عاطفه و احساس است. بنابراین حالات روانی مادر در این سنین به کودک نزدیک‌تر است و او بهتر می‌تواند پاسخگوی نیازهای جسمی و روانی کودک باشد (طاهری نیا، ۱۳۸۸، ص ۶۱-۶۲). از این رو در آموزه‌های اسلام مادر تا هفت سالگی در نگهداری از کودک شایسته‌تر از پدر است. چنانچه در نامه‌ی امام هادی علیه السلام به ایوب بن نوح این مطلب به صراحت ذکر شده است: «زن تا هفت سال به (نگهداری) کودک شایسته‌تر است، مگر آن که خود بخواهد (از حق خود بگذرد)» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۳۵). بنابراین شایسته است مادر اذکار سفارش شده از سوی ائمه علیهم السلام را برای کودک خویش تکرار نماید. کودک از تکرار خسته نمی‌شود و اگر این تکرار با صوت و آواز همراه شود برای او لذت‌بخش نیز خواهد بود (قائمی، ۱۳۷۴، ص ۳۷). این دوران دوران عشق و محبت به والدین مخصوصاً به مادر است (همان، ص ۱۲). بنابراین او می‌تواند ارکان نماز چون رکوع و سجود را به کودک آموزش دهد و در قالب بازی‌های کودکانه، او را به یک نماز تقلیدی و ظاهری دعوت کند.

هفت سالگی تا بلوغ

هر چند نقش والدین در تربیت و حضانت فرزند مکمل و متمم یکدیگر است، با این وجود متناسب با مراحل رشد نیاز فرزند به یکی از آن‌ها بیش‌تر می‌شود و ضرورت حضور یکی از آن‌ها بیشتر از دیگری می‌گردد. بر اساس آموزه‌های اسلامی با آغاز هفت سالگی نقش پدر در نگهداری و پرورش کودک بیشتر می‌شود تا آنجا که حضانت کودک در این سن به پدر داده می‌شود. البته باید به این نکته توجه داشت که حضانت در اسلام تنها به معنای نگهداری و مواظبت از جسم کودک نیست؛ بلکه احتیاج‌های عاطفی طفل، پرورش و تربیت وی را نیز شامل می‌گردد (کمالی بانیانی و دیگران، ۱۴۰۰، ص ۳۱۵). بنابراین با آغاز هفت سالگی بر نقش و نفوذ پدر در تربیت و آموزش افزوده می‌شود و پدر می‌بایست در کنار مادر در جهت ساختن کودک به نماز تلاش نماید. زیرا در این سنین کودک نه همچون دوره‌ی قبل، نماز را از سر تقلید می‌خواند و نه شبیه نوجوان جوایای استدلال و برهان است. در این دوره کودک تنها از علاقه‌هایش پیروی می‌کند (جابری، ۱۳۹۸، ص ۱۴۲). بنابراین والدین می‌بایست با جذاب کردن صحنه‌ی نماز کودک را به خواندن نماز راغب سازند و شوق خواندن نماز و ایستادن در محضر باری تعالی را در دل او ایجاد نمایند. اختصاص اتاقی خاص در خانه برای اقامه‌ی نماز با پیروی از سیره‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۹۶) که با قرآن و سجاده‌ای

زیبا آراسته گردد و نیز قرار دادن لباسی مخصوص برای پسران و چادری زیبا برای دختران برای به جا آوردن نماز بستر را برای علاقه‌مند کردن کودک به نماز فراهم خواهد کرد (قائمی، ۱۳۷۴، ص ۳۳).

بنا بر روایتی از امام صادق (ع) والدین در این سنین باید وضو را به فرزند بیاموزند و او را به خواندن یک نماز کامل دعوت کنند. در این روایت آمده است: «هرگاه کودک با اختیار خویش وضو بگیرد و نماز بخواند. خداوند والدین او را مشمول رحمت خود می‌کند» (حر عاملی، ج ۲۱، ص ۴۷۴). بنابراین والدین می‌بایست ضمن آموزش یک نماز کامل به کودک او را به انجام این فریضه‌ی الهی دعوت نمایند. البته دعوت کردن کودک به نماز که مستلزم سکون و آرامش نفس است برای کودکی که در این سنین معدن تمام‌نشدنی انرژی است و تمایل بسیاری به بازی‌های حرکتی دارد (جابری، ۱۳۹۸، ص ۱۴۱) نیازمند صبر و حوصله‌ی بسیار است. زیرا کودک در این سنین به سبب تمایل بسیار به انجام بازی، ممکن است در برابر این پرسش والدین که «نماز خوانده‌ای؟» متوسل به دروغ شده و ادعا کنند که آن را به جا آورده‌اند. از این رو بهتر است که آن‌ها از روش «آگاه کردن» به جای «پرسش کردن» استفاده کنند. بدین شکل که مثلاً سه بار تکرار کنند: «وقت نماز ظهر است». در این شرایط اگر کودک گفت که نمازش را در اتاقش خوانده است، آن‌ها می‌بایست از مشخصه‌ی دیگر این سنین یعنی «تلقین‌پذیری» استفاده کنند. (قائمی، ۱۳۷۴، ص ۱۵) بدین گونه که به او بگویند: «با نمازی که به جا آورده‌ای اتفاق را با برکت کردی به خاطر این که اتاق من هم از این برکت بی‌بهره نباشد بیا نماز را با هم بخوانیم. زیرا ملائکه در محل برگزاری نماز حاضر می‌شوند و با خود رحمت و برکت می‌آورند» (الرمادی، ۱۳۸۹، ص ۲۵).

بلوغ

دختران در نه سالگی و پسران در پانزده سالگی به تکلیف می‌رسند. با رسیدن به بلوغ و نوجوانی، اقامه‌ی نماز بر آنان واجب می‌گردد. بنابراین در این دوران والدین می‌بایست نوجوان را به انجام دستور الهی امر کنند. خداوند در قرآن کریم از پدر می‌خواهد این وظیفه را برعهده بگیرد (طه/۱۳۲)؛ زیرا نوجوان خواهان ارائه‌ی استدلال و برهان در مورد چرایی نماز است (جابری، ۱۳۹۸، ص ۱۴۲) و ناگفته پیداست که در این خصوص منطق پدر از عاطفه‌ی مادر کارسازتر است. البته اوامر پدر در صورتی مؤثر است که او رابطه‌ی دوستانه‌ای با نوجوان برقرار نماید. زیرا در دوران نوجوانی رابطه از بالا و فرماندهی کردن راهگشا نیست (همان، ص ۲۲۳). در این سنین گروه دوستان بیشترین تأثیرگذاری را بر نوجوان دارند و الگوهای عینی او به شمار می‌روند (عصاره، ۱۳۸۹، ص ۱۲۹). در نتیجه مادر نیز از طریق رفاقت با نوجوان می‌تواند سبب گرایش او به سوی نماز شود. البته تأثیرپذیری از گروه دوستان ممکن است سبب سست شدن گرایش شکل‌گرفته در خانواده شود. این در صورتی است که گروه دوستان به اقامه‌ی نماز تمایلی نداشته باشند. در این صورت والدین می‌بایست «استقلال در اندیشه» را به فرزند خویش بیاموزند (پنهان، ۱۳۹۴، ص ۱۴۹) تا نوجوان با اعتمادبه‌نفس کامل در هر جمعی و با هر اندیشه‌ای، سجاده‌ی خویش را پهن کند و رو به سوی پروردگار عالم نمازش را به جای آورد و امر الهی را اطاعت نماید. آن‌ها همچنین باید بر ارتباطات نوجوان نظارت داشته باشند و سبب پیوند او با دوستان و همسالان نمازگزار شوند (جمشیدی، ۱۳۷۷، ص ۸۱) تا گرایش شکل‌گرفته در خانواده با تأیید دوستان و همسالان تقویت شود.

نتیجه

والدین به عنوان نخستین معلمان کودک نقش بسزایی در آموزش نماز به او دارند. هر چند نقش آن‌ها در تربیت و آموزش، مکمل و متمم یکدیگر است اما با توجه به روحیات کودک در هر یک از مراحل رشد، نقش یکی از آن‌ها پررنگ‌تر می‌شود. چنان که تا سن هفت سالگی مادر بدین امر شایسته‌تر است و با آغاز هفت سالگی به تدریج بر نقش و نفوذ پدر افزوده می‌شود تا این که با رسیدن به سن بلوغ پدر موظف است فرزندان خویش را به نماز امر کند.

منابع

- * قرآن، ناصر مکارم شیرازی، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۳.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی؛ *من لا یحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
 ۲. ادیب، مریم؛ *تربیت دینی کودک و نوجوان: نکته‌ها و روش‌ها*، تهران، نشر قرآن و اهل بیت نبوت ﷺ، ۱۳۹۶.
 ۳. افروز، غلامعلی؛ *روش‌های پرورش احساس مذهبی «نماز» در کودکان و نوجوانان*، تهران، سازمان انجمن اولیاء و مربیان، هفتم، ۱۳۸۰.
 ۴. الرمدی، امانی زکریا؛ *چگونه نماز را برای فرزندانمان دوست داشتنی‌تر نماییم؟*، مسلم خدری، شیراز، ایلاف، ۱۳۸۹.
 ۵. پناهیان، علیرضا؛ *چگونه یک نماز خوب بخوانیم؟*، تهران، بیان معنوی، ۱۳۹۴.
 ۶. جابری، محمد علی؛ *مهارت‌های دعوت فرزندان به نماز*، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۸.
 ۷. جمشیدی، نرگس؛ *نقش والدین و مربیان در گرایش دینی کودکان و نوجوانان*، قم، ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۷.
 ۸. جمعی از نویسندگان؛ *خانواده و نماز*، تهران، انجمن اولیاء و مربیان، چاپ یازدهم، ۱۳۸۹.
 ۹. حرعاملی، محمد بن حسن؛ *وسائل الشیعه*، ج ۲۱، قم، موسسه آل البیت ﷺ، بی‌تا.
 ۱۰. راغب، حسین بن محمد؛ *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن*، غلامرضا خسروی حسینی، تهران، مرتضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
 ۱۱. طاهری نیا، احمد؛ *پژوهشی در حضانت کودک از دیدگاه اسلام*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ، ۱۳۸۸.
 ۱۲. طبرسی، فضل بن حسن؛ *مکارم الاخلاق*، قم، الشریف الرضی، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ق.
 ۱۳. عصاره، علی‌رضا؛ *خانواده و نماز، شیوه‌های آشنایی با نماز در خانواده*، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، چاپ یازدهم، ۱۳۸۹.
 ۱۴. قائمی، علی؛ *اقامه نماز در دوران کودکی و نوجوانی*، قم، ستاد مرکزی اقامه نماز، چاپ چهارم، ۱۳۷۴.
 ۱۵. کلینی، یعقوب؛ *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
 ۱۶. کمالی بانیانی، مجید رضا، نصیران، داوود، مهدوی، محمد هادی؛ *بررسی ولایت ابوینی در روایات اسلامی، فقه و حقوق* (مطالعه موردی اولویت در حضانت)، عرفان اسلامی، شماره ۷۰، ۱۴۰۰.